



۲۰۱۴/۰۳/۰۱



قیس کبیر

## ارزیابی نظریات هموطنان در مورد «اشغال، استعمار، استقلال و آزادی» از نگاه یکی از روشها یا متودهایی ریاضی قسمت دوم

جهت مطالعه قسمت اول این نوشته، به لینک ذیل مراجعه کنید:

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/q\\_kabir\\_arziabi\\_nezeriat\\_dar\\_maurede\\_eshghal\\_1.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/q_kabir_arziabi_nezeriat_dar_maurede_eshghal_1.pdf)

و این هم ادامه بحث:

در قسمت اول گفته آمدیم که اصطلاحاتی از قبیل "اشغال، استقلال، استعمار، استعمار نوین، گلوبالیزم و..." را نمی شود دیگر به نوع کلاسیک آن تعریف کرد و امروز این اصطلاحات، معانی دیگری یافته اند و آنچه را که در کتاب های سابق بنام آزادی و استقلال در گذشته خوانده بودیم در شکل گیری مقتضیات سیاسی و اقتصادی جهان کنونی به گونه و شکل دیگری تعریف و تعیین شده اند که در محتوی و ماهیت با آن تعاریف متداول و مرسوم در تناقض اند.

مقتضیات قرن بیست و یکم تمامی مقوله های متعارف فوق را که افغانها بدان اعتقاد دارند، یکسره تغییر و تحول داده است که فهمیدن، هضم کردن و قبول کردن آن کار ساده نیست، بخصوص برای آن حلقاتی که در محبس ایدئالوژی زندانی اند.

برای زندانی بودن لازم نیست شخص عقب میله های زندان قرار داشته باشد، انسانها میتوانند زندانی و یا برده عقاید و اندیشه های خود و یا دیگران باشند.

در جامعه افغانی با تأسف که یک عده افراد از این گونه، عده دیگری را تحت تأثیر افکار و تلقینات خویش درآورده و زندانی عقاید خویش می سازند.

این حلقات بصورت خاص مربوط می شوند به گروپ های چپ افراطی و یا هم راست افراطی که آگاهانه و یا هم ناآگاهانه در خدمت منافع بیگانگان و در نهایت در خدمت حلقات تروریستی بین المللی و سازمان های افراطی مذهبی قرار میگیرند. چپی های افراطی که حتی پرچمی ها و خلقی ها را منحرف و راستگرا میخوانند، حالا خود راحت در غرب در آغوش امپریالسم نوستالژی انقلاب قهر آمیز را خیال پلو وار خواب می ببینند. اما راست افراطی و گروپ های متعلق به آن بر زمین و آسمان می تازند و هیچگونه راه بیرون رفت از مشکل را هم ارائه کرده نتوانسته و نه هم می توانند. این گروپ های ی به شدت افراطی هم بجز ایجاد وحشت و ترور، کار سازنده را بلد نیستند و در خدمت همسایگان طماع قرار گرفته و کشور خویش را به سوی تخریب، انحطاط و سقوط، سوق میدهند.

برای ارزیابی نظرات هموطنان باید یک سلسله فکتها از قبیل "نواقص اجتماعی که بالای سیاست بین الافغانی تأثیر گذار است" توضیح و برای تقسیم بندی آنها به وسیله این متود، فرضیه "شرایط لازم و شرایط کافی" تعریف گردد.

### نواقص اجتماعی که بالای سیاست بین الافغانی تأثیر گذار است:

#### منافع جمعی

وظایف افتخاری که فقط جهت خدمت به مردم و مملکت صورت میگیرد، بطور گسترده در اروپا و امریکا و شاید هم کانادا معمول است، در آسیا و بخصوص کشور ما افغانستان، بصورت قطع معمول نبوده و نیست. در کشور

آلمان بگونه مثال حدود ده میلیون کارگر افتخاری مشغول خدمت به مردم و مملکت خود اند و از همین رو امروز آلمان از خرابه های وحشتناک جنگ دوم جهانی، سر بلند کرده و نه تنها وحدت دوباره کشور خود را بدست آورده اند، بلکه آلمان یکی از پیشرفته ترین و مقتدر ترین کشور های اروپا به حساب میروند.

## رفاقت، خویشاوندی و مصلحت گرایی

ما مردم افغان با تأسف که چنان در رفاقت ها و خویشاوندی ها و مصلحت گرایی ها غرق شده ایم که رفاقت ها و خویش و قوم بازی ها برای هر یک ما و یا حد اقل ۹۰ فیصد مردم ما به یک مرض خانمانسوز مبدل گردیده و از آن رنج میبریم، بدون اینکه خود متوجه باشیم.

در جامعه ما عادت برین است که عیب دیگران را خوب دقیق می بینیم ولی عیب خود را نمیخواهیم ببینیم. این نقیصه بزرگ بین الافغانی ما باعث شده تا همگان مصلحت گرایی را فقط و فقط در عمل کردهای جناب کرزی، با ذره بین ببینند و از او انتقاد کنند، اما اگر خود ما مرتکب چنین گناهی شویم آنرا امر عادی تلقی میکنیم.

## آنانیکه در گردش ایام چهار پیراهن بیشتر کهنه کرده اند

اکثریت مطلق نتوانسته اند خود را با مقتضیات و چلنج های قرن بیست و یکم و رشد سر سام آور تکنالوژی که رویت و اساس همه عرصه ها را بصورت قاطع تغییر داده است، عیار سازند. عدای کثیری از روشنفکران هموطن ما به صورت فاحشی از تحولات زندگی نیم قرن اخیر غافل مانده و این تحولات را کاملاً بر دیدگاه های خود بی اثر نگریسته و حتی فراتر از آن آرزو دارند دنیای عینی بر وفق دریافت های کهنه نیم قرن قبل آنان تلفیق کند، در حالیکه این توقع نه تنها غیر عملی بوده، بلکه غیر علمی و ناممکن نیز میباشد. این هموطنان ما هنوز هم جهان را از عقب عینک های کهنه خود تماشا کرده و به جهان از زاویه جنگ سرد و دنیای دو قطبی مینگرند، در حالیکه دنیای امروز دیگر همان دنیای گذشته دیروزی نیست، جهان اکنون چندین قطبی بوده و سیاست اقتصادی- سیاسی جهان بیشتر از پیش خیلی ها مغلق و پیچیده شده است. آنهایکه معادلات و تعاملات سیاسی - اقتصادی امروزی را در معادلات و معاملات یک قرن گذشته و حتی در روابط و آئینه پندار های ایدیولوژیک دوران جنگ سرد محاسبه و پرداز می نمایند، باید بدانند که حتی جهان بیست سال گذشته بدان کیفیت باقی نمانده است، چه رسد به آنکه آنرا چند سال دیگر عقب ببریم، و یا یکدهه صد سال گذشته را در آئینه روابط امروزی می بینند. طور مثال یکدهه تا کنون تعاملات سیاسی دوران امیر عبدالرحمن خان را از دیدگاه حقوق بشر امروزی می نگرند، حال آنکه در آنزمان نه سازمان حقوق بشر وجود داشت و نه پدیده ای بنام حقوق بشر در رسمیات درج بود.

## کار های جمعی Teamworking

آرزو و خواهش کار های جمعی از اجتماعات کپتالستی نشأت کرده است و از همان کشور ها آغاز یافته است که در آن گروه هائی از مردم گرد هم آمده و جهت رسیدن به اهداف مشترک، بصورت جمعی تلاش می ورزند.

**در جهت مقابل**، اجتماعات افغان ها نظر به پیشینه تاریخی- اجتماعی شان، از یک ساخت عقب مانده متشکل بوده که در آن همیشه به عوض "ما"، اصطلاح "من" حرف اول را زده است، پس ما افغان ها به دلایل تاریخی و اجتماعی کمتر قابلیت تأسیس اجتماعات دوماور و سازنده را داشته ایم، این فرهنگ خود محوری چنان ریشه دار است که حضور و اقامت متداوم بعضی از ما ها در کشور های پیشرفته نیز هیچ اثر و تغییری در آن وارد کرده نتوانسته است، گویا این خصلت در ماتحت شعور ما لانه کرده باشد و همین هم شاید یکی از دلایلی بشمار آید که در پدید آمدن و از بین رفتن سریع گروه ها و اتحادیه های سیاسی نقش اساسی داشته است.

البته در قسمت فعالیت های سیاسی- اجتماعی زنان افغان در خارج از کشور، این قضیه صادق نیست و زنان افغان بصورت کل از این گونه خود محوری ها تا کنون فارغ بوده اند، و این خود جای خوشبختی و یک زمینه امیدواری میتواند باشد.

هرگاه شما هم در یک جامعه با چنین برداشت ها و طرز تفکرات حیات به سر برید، بدون شک با گذشت زمان خوی و خواص همان اجتماع، تأثیرات خود را بجای میگذارد و تحت الشعور ته نشین میگردد.

### نیاموختن از تجارب گذشته:

ما جامعه کم کار و پرمدعای هستیم، حتی تحصیل کردگان ما در خارج از کشور، گاهگاهی با بزرگ نمائی و تبلیغات وسیع کنفرانس ها یا سیمینارها تدویر می کنند، بدون توجه به نتایج کنفرانس های مشابه در گذشته و از تجارب و کمبود ها و کاستی های آن آموختن و جلوگیری از تکرار اشتباهات. در هر کنفرانس و گرد هم آئی وقت و انرژی و پول های گزافی به مصرف میرسد، نام های بلند بالا و پر زرق و برق را به خورد مردم داده و دست آورد شان هم از یک یا چند اعلامیه بیشتر نمیروند.

بین اکثر ما افغان ها زیاد رایج است، هر زمانی که به یک امر و پدیده جدید سیاسی - اجتماعی مواجه می شویم، در مورد جست و جو و کند و کاو می نمائیم که مبدا زیر کاسه، نیم کاسه ای پنهان باشد.

این بی اعتمادی ها گاهی چنان بالای ما غلبه میکند که زمینه شک و تردید و بی باوری مطلق را بار می آورد و این بی اعتمادی ها در طرح مسائل سیاسی، بگونه بیشتر خودنمائی میکند. البته استفاده از شیوه ها و رهبرد های اشتباه آمیز سیاسی در این گوشه یا آن گوشه، با تأسف که به این بی اعتمادی ها دامن میزند.

بگونه مثال، شخصی یا فردی، طور سوال برانگیزی از یک گوشه قد راست میکند و در عالم ناشناسی و گم نامی و در حالیکه هیچگاه و در هیچ زمانی و در هیچ واقعه ای، حتی یک سطر در مورد کشور و مردم خود ننوشته و اظهار نظری نکرده و کوچکترین قدم هم در این راه دشوار هرگز برنداشته است، یکشنبه به رهبری یک جمع برگزیده می شود، عده از هموطنان از گوشه های دور و نزدیک امریکا، اروپا، استرالیا و کانادا به دنبالش روان می شوند و سرو صدا های فراوان براه می افتند و چند روز بعد تر همه سرو صدا ها خاموش میگردند و باز همان سردرگمی و هر که به هر راهی رفتن و این سلسله بیشتر از سی سال است که ادامه دارد و ما هرگز قادر به این نشده ایم که از تجربیات گذشته پند گرفته و در اصلاح خود بکوشیم و از تکرار اشتباهات گذشته جلوگیری کنیم.

### تنقید و انتقاد از دیگران

هر انسان این حق را دارد که یک شخص، یک فرد، یک حزب و سازمان سیاسی را به نقد بکشد و انتقاد کند، اما مهم اینست که این نقد و انتقاد را در نخستین قدم از خود، حزب و سازمان خود، قوم و قبیله خود، دوست و رفیق خود و فرد مورد علاقه خود آغاز کند و بعد دیگران را به نقد بکشد. در غیر آن نقد و انتقاد از دیگران کاریست بی پایه و بی اساس.

عده ای از افغان ها که بصورت بسیار فعال در زمینه حقوق زنان افغان فعالیت دارند و در مورد مبارزه میکنند، با تأسف که در زمینه قیام دختران مکاتب کابل و از جانبختگان آن حماسه ها یادی کرده باشند و بزرگداشتی، سکوت اختیار کرده اند، در حالیکه حماسه نهم ثور، یعنی قیام دختران مکاتب کابل، ثبت تاریخ کشور گردیده است.

### شرایط لازم و شرایط کافی

از قواعد و متوذهای شناخته شده ریاضی برای ثبوت فرضیه هایی ریاضیات، یکی هم این است که "شرایط لازم و شرایط کافی" بررسی گردد. به این معنی که برای اثبات یک پدیده، نخست باید "شرایط لازمی" آن تحقق یافته باشد. در صورتیکه شرایط اولی برآورده شده باشند، آنگاه "شرایط کافی" مورد بررسی قرار می گیرند. در

صورتیکه "شرایط کافی" نیز به کرسی نشست، آنگاه فرضیه مورد نظر به اثبات رسیده است. اگر "شرایط لازمی" برآورده نشده باشد، ثبوت "شرایط کافی" بی اساس بوده و بالنتیجه فرضیه مورد نظر به "اثبات" رسیده نمیتواند.

این متود ریاضی می تواند در عرصه های زیاد روزمره تجسم یابد. به طور مثال برای آتش زدن یک شی احتراق کننده، موجودیت آکسیژن "شرط لازمی" پنداشته می شود ولی وجود آکسیژن به صورت اوتومات آتش تولید کرده نمی تواند. برای این منظور "شرایط کافی" یعنی گوگرد یا چیز دیگر "جرقه دهنده" لازم است. یا یک مثال مشخص از روش نشراتی AGO را در نظر میگیریم: برای اینکه یک نقد در مورد اثر یک نویسنده دیگر به نشر رسیده بتواند، "شرط لازمی" برای آن «توهین نکردن» به شخص طرف مقابل و "شرط کافی" برای موصوف تذکر نام اصلی منتقد می باشد. (متأسفانه این متود تا حال نظر به عوامل مختلف به صورت همه جانبه وثابت قدم نتوانسته است عملی گردد)

ارزیابی حالات سیاسی و اجتماعی یک جامعه، بخصوص جوامع جنگ زده با سیستم ها و روش های ریاضی و تخنیکی، کاریست نهایت مشکل، اما باز هم در نوشته حاضر کوشش بعمل می آید تا در حد امکان به کمک قاعده و میتود "شرایط لازمی و شرایط کافی" ریاضی، نظریات هموطنان، در پرسشی که آیا افغانستان یک کشور اشغال شده است؟ مورد بحث و بررسی قرار گیرد، تا در همین فرضیه، کمی و کاستی و نکات برجسته آن بصورت مجموعی آشکار و روشن گردد.

برای اینکه این میتود را جهت ارزیابی نظریات هموطنان در مورد اشغال و عدم اشغال مورد استفاده قرار داده بتوانیم، لازم می افتد تا نظریه «شرایط لازمی» و «شرایط کافی» را با تعریف آن ارائه کرده و امکانات ارزیابی نظریات پیرامون اوضاع سیاسی کشور را در آن جستجو و مطالعه نماییم و بسنجیم که تا چه حد آن نظریات از نگاه سیاسی افغانستان را بصوب صلح و بازسازی و رفاه اجتماعی و خودکفا شدن و نیز امنیت و ثبات رهنمون خواهند کرد.

## قاعده "شرایط لازمی" و "شرایط کافی":

➤ "شرایط لازمی": این ادعا که «افغانستان اشغال شده است»، توضیح مفصل واستوار را در نظام و مقتضیات سیاسی و اقتصادی جهان کنونی با در نظر داشت تغییرات و تحولاتی که در جهان امروزی پدید آمده اند و ما هم خواهی نخواهی جزء لاینفک همین جهان هستیم، می طلبد.

۱. سیاست جهانی، جیوپولیتیک، گلوبالیزشن، استعمار نوین، استقلال، آزادی، مقررات بین المللی و

۲. سیاست منطقی

۳. سیاست ملی

● "شرایط کافی": شرایط کافی از ما میخواهد تا راه معقول برون رفت از حالت "موجود" به حالت «مطلوب» به مقصد تغییر، از طریق عبور، انتقال، به منظور ثبات و استحکام توسط "اجرات" مسالمت آمیز و - نه انحطاط، سقوط و تخریب- را دریابیم.

\*\*\*\*\*

تفکیک و دسته بندی نظرات برای ارزیابی به دو گروه اشغال و عدم اشغال:

جهت جلوگیری از طوالت کلام، تنها نظریات آنده از افغانهایی را که در خدمت منافع دیگران قرار ندارند و هم مربوط به نیروهای تنظیمی و جنگ سالاران نیستند، مختصراً مورد ارزیابی قرار میدهیم. (به دایره های کوچک زیر به رنگ سبز توجه کنید).

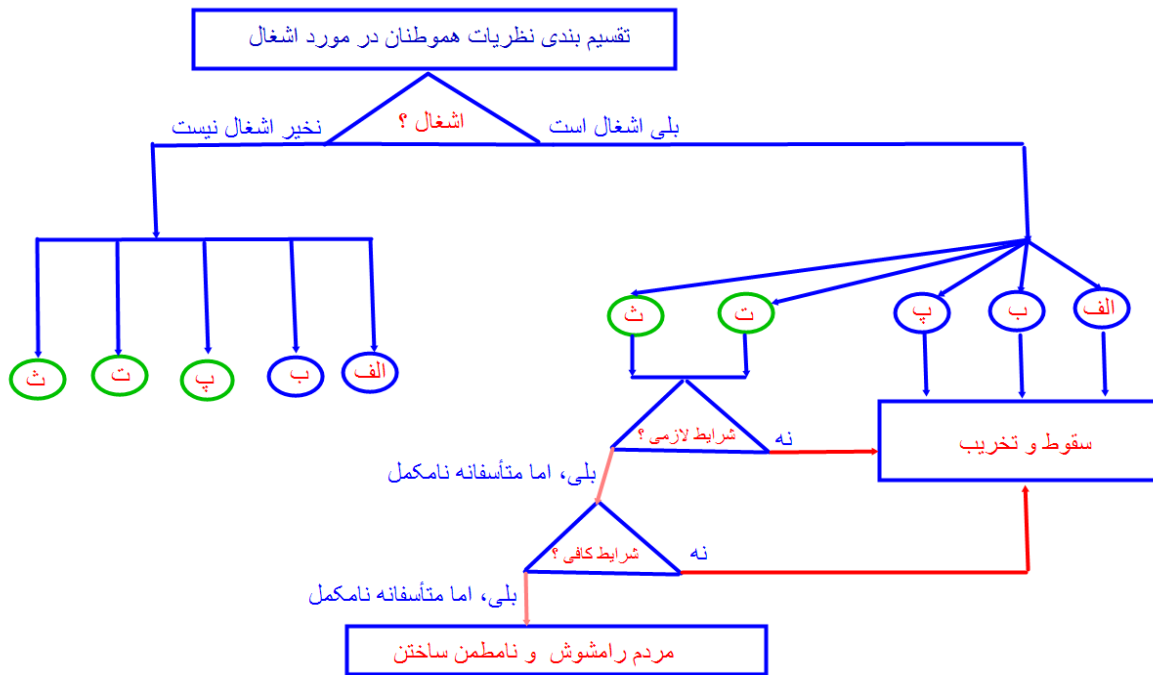
د پانو شمیره: له ۴ تر ۱۱

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

نخست به نوشته ها و تحلیل های آنانی درنگ میکنیم که افغانستان را اشغال شده نمی دانند، اما در عین زمان تمرکز و استفاده از این روش ریاضی بالای تحلیل های هموطنانی صورت میگیرد که افغانستان را اشغال شده تلقی میکنند.

برای درک بهتر، تقسیم بندی نظریات در مورد اشغال و عدم اشغال، یکجا با قاعده و میتود " شرایط لازمی و شرایط کافی" ریاضی در گرافیک آتی ملاحظه میشود:



### ➤ آنانیکه افغانستان را اشغال شده نمی دانند

- الف: کشورهای خارجی ایکه منافع شان در منطقه مطرح است و برای توجیه موقف خود در مبارزه علیه تروریسم از قوانین بین الدول استفاده میکنند.
- ب: تنظیم های دوباره احیاء شده و جنگسالارانیکه امریکا و متحدانش مجدداً آنها را بر اریکه قدرت نشانده اند. منفعت جویان از وضعیت جنگی در هر دو طرف، بشمول گروپهای مافیایی مواد مخدر و اسلحه.
- پ: افغانهایی که منافع خود را در حضور کشورهای خارجی جستجو می کنند.  
تبصره: این گروپ افغان ها را میتوان به دو دسته تقسیم نمود:
  - آنانیکه زندگی خانوادگی شان از حالت بخور و نمیر نجات یافته و صاحب یک وظیفه و در نتیجه یک زندگی مرفه و بهتر گردیده اند.
  - آنانیکه وظایف دولتی داشته و با حکومت کنونی همکاری دارند و صرف به منافع شخصی خود می اندیشند.

د پانو شمیره: له ۵ تر ۱۱

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په څير و لولئ

● **ت: اکثریت هموطنان ما که شاهد وحشت و بربریت سالهای ۹۰ بوده اند.**  
**تبصره:** اکثریت هموطنان ما که شاهد جنگ و کشتار و چور و چپاول و وحشت و بربریت سال های اوایل دهه ۹۰ بوده اند ، هنوز هم در یک اضطراب و هراس قرار داشته و از تکرار آن فجایع دردانگیز، واهمه دارند. بخصوص طبقه اناث کشور که از برگشت دوباره تنظیم های جنگی و چور و چپاول ها و تجاوزات جنسی و جنگ و چور و غارت و همچنان از زمان بند و زندان و تازیانه و دار و پولیس مذهبی طالبان، خاطرات وحشتناک و درد آور و جانسوزی را با خود حمل میکنند، آینده خود را شکننده و سخت نامطمئن میدانند. بگفته میرمن واصل و هاب " زندان سیار" انتظار شانرا می کشد و حقوق حقه شان بار دگر پامال جنایتکاران خواهد شد.

● **ث: هموطنانیکه به خیر و صلاح وطن می اندیشند و از شکنندگی اوضاع سیاسی افغانستان هراس دارند.**

**تبصره:** این دسته از هموطنان که از چپ و راست شاهد برپادی وطن و قتل و کشتار هموطنان بوده اند و نیز مداخلات بی حد و مرز همسایگان دور و نزدیک را بگونه دقیق دنبال کرده اند، خوب میدانند و به این نتیجه رسیده اند که شرایط را بگونه عیار نموده اند که کشور ما به یک انبار باروت شباهت دارد و با یک جرقه کوچک، منفجر خواهد شد، خیر و صلاح کشور را در این شرایط بوجود آمده، در موجودیت قوای خارجی در کشور میدانند.

## ➤ **آنانیکه افغانستان را اشغال شده می دانند**

- الف: همسایه های طماع که منافع خود را در نا امنی افغانستان تامین می کنند و از حضور امریکا و متحدانش در افغانستان هراس دارند.
- ب: حلقاتی که در خدمت منافع همسایه های طماع قرار دارند.
- پ: تروریسم بین المللی و سازمان های افراطی مذهبی
- **ث: آنانیکه افغانستان را اشغال شده میدانند، اما در شرایط کنونی حضور نیرو های خارجی را ترجیح میدهند.**

**راه های حلی را که تا کنون از طریق انترنت مطرح شده اند از نظر میگذرانیم:**

- **„پیشنهاد مبنی بر اشتراک مردم در انتخابات ریاست جمهوری و از این طریق به یک نتیجه منطقی و بدون خونریزی رسیدن“:**  
 باید متذکر شد در کشوری که رای مردم خرید و فروش میشود، زر و زور و تزویر حرف اول را می زند و قوم و قوم پرستی بیداد میکند، چگونه باید توقع یک انتخابات آزاد را داشت؟! زمانیکه شاهد هستیم رشید دوستم فریاد می کشد که دو میلیون رای در جیب دارد و هر کاندید چار نا چار یک معاون را از یک قوم برگزیده است و معاون دوم را از قوم دیگر و...، داگز او دا میدان بفرمائید از طریق اشتراک فعال در انتخابات، مشکل مملکت را حل کنید.
- **„در جستجوی زعامت ملی از طریق تلویزیون ها و کنفرانس ها در خارج از کشور“:**  
 باید اذعان نمود تاریخ نشان داده است که غالباً قاعد ملی، زعیم ملی و قهرمان ملی از بین توده ها و مردم سر بلند کرده و کشتی شکسته مملکت را با فراست و درایت و کاردانی و دلسوزی و از خودگذری به سرمنزل مقصود رسانیده است. زعیم ملی و قاعد ملی هرگز از خارج کشور و از طریق برنامه های تلویزیونی و یا سکایپ و پالتاک و... سر بیرون نخواهد کرد و قهرمان ملی را هم مجلس وزرا و پارلمان و رئیس جمهور تعیین نمی کند.

د پانو شمیره: له ۶ تر ۱۱

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
 یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

علاوه بران در جهان امروزی، خصوصاً در ممالک مانند افغانستان، دیگر زمان آن گذشته است که یک زعیم و یا قاعد ملی، به تنهایی خود بتواند کشتی در حال غرق و در گیر در منجلا ب را ناجی باشد. زیرا با سرعت چشمگیری که تکنالوژی مدرن در جهان امروزی در حال توسعه و انکشاف است، دو قوه یا نیروی فوق العاده توانای چون میدیا و استخبارات در کنار قوای سه گانه اجرائیه، مقننه و قضائیه، رول بسی عمده را در بود و نبود و یا بر قراری و بر طرفی یک زعیم و بقای زعامتش در یک کشور میتواند بازی کند. این بدین معنی است که احزاب و نهاد های که در سیاست و دولت داری کشور خود شان و یا کشور های همسایه، میخواهند دست بالا داشته باشند اگر در کمترین فیصدی هم که شده منافع شان را در زعامت و رهبری زعیمی در خطر و نا امنی احساس کنند، در کمترین زمانی که حدس میتوان زد سعی میکنند نخست شخص مورد نظر را به کمک همین دو نیروی جهانگیر میدیا و استخبارات بد نام سازند و اگر این روش برای شان کافی نبود به طور سری و سریع نیست و نابودش کنند. که البته در حال حاضر میتوان برای مثال ایجاد دستگاه های بیشمار تلویزیونی در داخل کشور را که به نفع خود و تمویل گران داخلی و خارجی شان فعالیت میکنند، یاد آوری کرد.

• **تغییر دادن شرایط بوسیله تظاهرات مسالمت آمیز مانند میدان تحریر مصر و...:**

مقایسه افغانستان با مصر از هر نگاه عملاً غیر عملی و غیر منطقی است و بهار عربی را تا بهار افغانی تفاوتی خواهد بود از زمین تا ثریا.

باری استاد سیستانی در یکی از مقالات تاریخی خود، در مورد پدیده های سیاسی اجتماعی نکته جالبی ابراز کرده بودند که برای مدتها ذهن مرا بخود مشغول داشته بود. ایشان نوشته بودند که: «در دگر گونی های پدیده های سیاسی- اجتماعی هیچگاه یک بُعد مطلق پنداشته نمیشود، فقط با در نظر داشت ابعاد چهارگانه است که یک پدیده شکل میگیرد و قوام می یابد و یا رنگ می بازد و از میان میرود. محقق می باید همه ابعاد را در بررسی های تاریخی مد نظر داشته باشد، چه گاهی بُعد خارجی بر بُعد داخلی تفوق دارد و زمانی بُعد داخلی بر بُعد خارجی در زمان و مکان معین موثرتر عمل میکند. مصداق های عینی این پدیده های سیاسی و اجتماعی را میتوان در برخی از کشورهای عربی افریقا و شرق میانه از دو سه سال بدینسو مشاهده کرد.»

در اینجا من با اجازه استاد سیستانی میخواهم یک بُعد دیگر را نیز بر ابعاد مذکوره ایشان علاوه نمایم و آن بُعد تکنالوژی اطلاعاتی است. منظورم نقش فوق العاده مؤثر تکنالوژی اطلاعات جمعی است که در کشور مصر تنها از طریق فیسبوک توانست یک میلیون انسان آگاه و متعهد و میهن دوست را در میدان التحریر، در کنار هم قرار بدهد و منجر به قیام عمومی مردم برضد رژیم حسنی مبارک گردد. آیا در افغانستان چنین شرایطی فراهم است و مردم از یک چنین امکاناتی برخوردار هستند؟ فکر میکنم نه. نه سطح آگاهی مردم ما با سطح آگاهی مردم مصر برابری میکند و نه تعداد باسوادان کشور ما با تعداد باسوادان کشور مصر قابل مقایسه است و نه افغانستان به مقایسه با مصر زیربنای تکنالوژی اطلاعاتی را در اختیار دارد و نه تعداد جوانانی که در کشور مصر با کمپیوتر و پدیده هایی چون فیسبوک و توئیتر دسترسی دارند با تعداد جوانان ما که به این تکنالوژی دسترسی داشته باشند، قابل مقایسه میباشند. **(و نیز وحدت ملی در آن سرزمین پابرجاست و اختلافات قومی در آن دامن زده نشده است و همسایگان طماع نیز در کنار آن موجود نیست)،**

بنابراین مقایسه یک پدیده اجتماعی در دو محیط جداگانه و دور از هم، با شرایط متفاوت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، مقایسه دقیقی نیست.

#### • نهضت عدم اطاعت:

یکی دیگر از پیشنهاداتی بود که ارائه شد و محترمین نوری صاحب، عباسی صاحب و یک عده دیگر از هموطنان ما در مورد استدلال های خویش را پیشکش نمودند که براه انداختن نهضت عدم اطاعت در شرایط کنونی به خیر و صلاح مردم و مملکت نیست، که نظریات شان واقعیتناهیانه بود. زیرا کشور ما در طول تاریخ قربانی تمایلات افراط و تفریط بوده است. یا استبداد ترقی را به عقب زده است و یا انارشیزم و هرج و مرج، نظم توسعه طبیعی را در هم کوبیده است، بی اطاعتی در جامعه کمتر انکشاف یافته به امحای کامل نظم ضروری و لازمی منجر شده و صدمات فاحش بار می آورد.

• **ت: گروه های ایدیولوژیک چپ و راست اسبق و یا گروه های رشد کرده طی سالیان جنگ سرد که سهم دولت نیستند و اکثراً در خارج از کشور بسر می برند و یکعده شان در داخل کشور اقامت دارند، بدون ارائه راه حل به معمای چند پهلوئی کشور صرف با پرداختن انتقاد و خوشنتمداری بسنده شده و شعار مرگ بر همه را بی محابا سر میدهند.**

**این گروه از هموطنان را هم میتوان به دو دسته تقسیم نمود:**

**اول:** آنانی که در داخل کشور حیات بسر میبرند و شعار گونه، با همه مخالفت میورزند (با نیرو های داخلی و خارجی). این دسته از هموطنان ما قبل از همه باید به این سوال پاسخ دهند که آیا کدام نیروی متشکل ملی - مترقی را در داخل افغانستان سراغ دارند تا قدرت را بدست گیرد و کشور را از منجلاب آشوب نجات دهد؟

چون جواب منفی است، پس برآنان است تا تمام پوتنسیل خویش را در راه ایجاد چنین نیروئی متمرکز ساخته و بکار اندازند و طبعاً در فرا راه ایجاد چنین هسته ئی، نه تنها موانع مختلف وجود دارد، بلکه ایجاب سعی و تلاش بیهم و دراز مدت را میکند. تنها به شعار مرده باد و زنده باد نه باید اکتفا نمود.

**دوم:** آنانی که در خارج از کشور زندگی میکنند و افغانستان را اشغال شده دانسته و هرگز هم حتی گرمای آتشی را که در افغانستان مشتعل گردیده، احساس و لمس نکرده اند و دارای **سرچشمه واحد اندیشه بی نیستند.** در این گروه نامتجانس از مسلمان سیاسی افراطی تا چپ افراطی گرفته تا قومگرا های نژاد پرست، تا آنهایی که به دلایل خصومت های بسیار شخصی و گاهی حسودانه و انتقام جویانه چنین می اندیشند و عده ای هم هستند که جملات و اصطلاحات متعدد را از این و آن جا عاریت گرفته تکرار میکنند اما از فهم معانی آنها عاجز اند.

برای این دسته افراد، نه شرایط لازمی و نه هم شرایط کافی مطرح است. این دسته هموطنان لطف نموده به سوالات ذیل صادقانه پاسخ ارائه کنند:

- در این مدتی طولانی که خارج از کشور زندگی نموده اند، آیا کدام دست آوردی برای مردم و کشور خود دارند؟
- دلیل اینکه خودشان متعلق به کشور های اشغال شده بوده ولی در کشور های اشغال گر زندگی میکنند، چه است؟



• آیا حاضر هستند تا کشور های محل اقامت شانرا ترک نموده و مبارزات مسلحانه را در داخل کشور رهبری کرده و یا در آن حصه بگیرند؟ زیرا از شعار هایشان بوی خشونت و توصل به اسلحه میآید، تو گوئی فقط فرمان صادر می کنند.

متأسفانه این گروه افراد به بیراهه رفته و دانسته یا نادانسته بصوب تخریب و سقوط روان اند، نه در جهت نجات کشور از بحران.

• پیشنهاد های جناب داکتر نبی مصداق:

نظری می اندازیم به ارشادات و نظریات جناب داکتر نبی مصداق. ایشان میفرمایند که افغانستان بدون موجودیت و همکاری خارجی ها هم می تواند خودکفا گردیده و به اصطلاح به پای خود استاد شود و ما نیازی به کمک کشور های خارجی نداریم.

ببینیم آقای مصداق چه فرموده اند:

• „ با فروش آبهای سرکش رودخانه های خروشان خود به همسایه ها و استخراج معادن خود ، میلیارد ها دالر بدست خواهیم آورد و کشور خود را آباد خواهیم کرد.“

با آن که افغانستان بزرگترین منابع آبی را در سطح منطقه دارد؛ اما در جریان چهل سال گذشته این کشور نتوانسته است که از سرازیر شدن آب های خود به کشورهای همسایه جلوگیری کند. تازمانی که همسایه ها بتوانند مفت و مجانی از آب های ما استفاده کنند، ضرورتی ندارند تا یک پول خود را هم به ما بدهند. بند سلما در غرب کشور یک نمونه زنده آن است که همسایه غربی ما با تمام قوت از فعال شدن آن جلوگیری نموده است. مدت سی سال است که این پروژه عام المنفعه از سبب تخریب کاری های ایران، تکمیل نگردیده است.

استخراج معادن کشور هم به یک سرمایه عظیم و تکنیک پیشرفته احتیاج داشته و نیز به انجیران کارآزموده، مشاورین دلسوز و با تجربه خارجی و داخلی و هزار و یک اسباب و وسایل دیگر ضرورت خواهیم داشت. آب را نادیده، موزه را از پا کشیدن، کار عاقلانه نخواهد بود و نتیجه مطلوب هم در قبال نخواهد داشت و از طرف دیگر ما به یک حکومت ملی و مردمی و کارآزموده و آگاه ضرورت داریم که پلان های دراز مدت در زمینه طرح نموده و در اجرای آن تلاش کند.

• „از طریق تلفون و مخابرات میتوان بودیجه مملکت را تکمیل نمود“

این مضحک خواهد بود که ادعا کنیم بودیجه یک مملکت جنگ زده و فقیر را که بیشتر از هشتاد فیصد باشندگان آن زیر خط فقر زندگی میکنند ، می شود از طریق عایدات تلفون و مخابرات تأمین نمود.

• „آسیای مرکزی را با آسیای جنوبی وصل کنیم و....“

این ادعای خنده آور به این ضرب المثل وطنی ما بیشتر شباهت دارد که میگوید: " در خانه خود آش بریده نمی تواند، در خانه مردم، سیمیان می بُرد."، ما در شرایط بوجود آورده شده امروزی کشور خود قادر به حل مشکلات داخلی و تأمین امنیت و حفظ سرحدات شناخته شده خود نبوده و هر والی در ولایت ،خود امیر و کل اختیار است و عملاً کشور را به سوی تجزیه کشانیده اند، در چنین شرایط چگونه آسیای مرکزی را با آسیای جنوبی وصل خواهیم کرد. وصل کردن آسیای مرکزی با آسیای جنوبی مصارف گزاف و تکنیک فوق العاده پیشرفته و نیروی کار با تجربه ضرورت دارد که در شرایط کنونی کشور ما فاقد همه بوده و باز هم به سرمایه بیرونی، تکنیک پیشرفته غرب و نیروی کار با تجربه، نیاز خواهیم داشت. امروز جهان یک دهکده کوچک شده است که مانند یک زنجیر بهم وصل گردیده و بدون هر حلقه آن، زنجیر از هم میگسلد.

• „وجود ۲۵۰ هزار داکتر و ماستر افغان تحصیل کرده در اروپا و امریکا“

نمیدانم داکتر صاحب ارقام این تعداد هموطنان تحصیل کرده افغان را براساس کدام احصائیه معتبر بین المللی به دست آورده اند ؟

بناغلی نبی مصداق بدون آنکه شرایط لازمی را در نظر گرفته باشد، خیز برداشته به شرایط کافی و آنچه بیان داشته اند هم هیچ اساس علمی ندارد و دانسته یا نادانسته بصوب تخریب و سقوط روان اند.

و اما آقای روستار تره کی چه میفرمایند:

● در مقاله عثمان روستار تره کی مشاور حقوقی کمیسیون صلح و آزادی برای افغانستان!! تحت عنوان « این بار مخاطب شخص کرزی است» تدارک زمینه تدویر یک کنفرانس بین الافغانی و بین الحکومتی تحت سرپرستی موسسه ملل متحد ، با نکات بحث برانگیزی منحصراً راه حل مطرح شده است...

● نوشته آقای تره کی را اندکی می شکافیم:

سوال این است که چگونه ملل متحد برای وصول به اهداف غیر اصولی و بدور از تمام ارزش های شناخته شده بین المللی برای ایجاد یک دولت خود کامه و تمامیت گرا دست به تدویر چنین کنفرانسی خواهد زد. این طرح اصلاً نظر به اوضاع و احوال جهان و منطقه، غیر عملی می نماید.

آقای تره کی دور تسلیمی دولت قانونی کشور به تروریست ها و جواسیس آی-اس-آی را پیشنهاد کرده است، اگر این طرح ، سیاست و هدف هرکسی باشد، به وسیله آن منافع پاکستان و تروریسم را برآورده کرده و تأمین مینماید.

آقای تره کی که از وطن خواهی، ناسیونالیسم و نیز مشروعیت و حقوق ملل حرف میزند، بر اساس کدام اصل مشروع، درحالیکه مملکت رئیس جمهور و پارلمان دارد، درحالی که کشور دارای قانون اساسی است چگونه ابتکار تأمین صلح را به یک گروهی می سپارند که به طور مستند و با مدارک انکارناپذیر مورد اتهام به جرایم ضد بشری قرار دارند.

طرح آقای تره کی ، رادیکال، شونیستی و جاه طلبانه است، زیرا این طرح تمام اساسات و عناصر عمده یک نظام دموکراتیک را از بین می برد، حالت اضطرار، تعلیق قوه های انتخابی دولت و هیچ و پوچ شمردن ارگان های انتخابی و رأی مردم و قدرت محوری اپوزیسیون مسلح وابسته به استخبارات برونی این ها همه دلایل وجود یک نظام خطرناک ایدیولوژیک است، چنین نظامی در دوران کنونی هرگز عرضه تأمین صلح را نخواهد داشت.

این ولسمشر دلخواه آقای تره کی با صدور فرمانی قوای مسلح رسمی و دولتی را موظف به تسلیمی ایشان به «مقاومت مسلح!!» مینماید، با تسلیم شدن قوای مسلح به «مقاومت مسلح!!» یعنی تروریست ها، نظام نیم بند دولتی موجود همراه با قوای مسلح آن از میان خواهد رفت و افغانستان باز به یک دوران استبداد، افراطی گری و انحطاط کامل خواهد غلتید. در طرح تره کی، «هوا داران صلح» که نام برده میشوند کی ها خواهند بود که مورد اعتماد همه باشند، یا برای آقای تره کی مهم نیست که مردم به آنها اعتماد داشته باشند یا نداشته باشند.

مگر از «ولسمشری» که حرف میزند، این «ولسمشر» چه کسی خواهد بود، تا صلاحیت مهم «سر قوماندان اعلی قوای مسلح» را به او بسپارند.

این ادعا حاکی از آن است که جنگ هنوز تمام نشده است ، در حالیکه در قسمت های قبلی نوشته، از عبور از حالت جنگ به حالت صلح حرف زده شده است، این تناقض گویی را آقای تره کی چگونه توجیه میکنند؟

اگر کسی توقع داشته باشد که پلان آقای تره کی بتواند صلح و ثبات را به کشور بیاورد و حاکمیت ملی را تأمین نماید، چنین توقعی از چنین طرحی کاملاً بیهوده و بیمورد خواهد بود.

متأسفانه طرح آقای تره کی نه تنها به خیر افغانستان نبوده، بلکه از نگاه بین المللی، طرح زورگویانه، غیر واقعی و غیر عملی میباشد و در سطح ملی، افغانستان را در ورطه نگون بختی انداخته و به صوب تخریب و سقوط می کشاند، حالتی که پاکستان برای کشور ما آرزو دارد.

د پانو شمیره: له ۱۰ تر ۱۱

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولۍ

پس، از ارزیابی نظریات مختلف فوق میتوان به این نتیجه رسید که پیشنهادات و نظریات آنده هموطنان ما که افغانستان را اشغال شده و آنهم "به نوع کلاسیک آن" میدانند، قراریکه در گرافیک بالا نشانی شده است، متأسفانه کشور را یا به صوب تخریب و سقوط کشانده و یا مردم را مشوش و نامطمئن از آینده شان میسازد، بجای اینکه کشور را در جهت ثبات، استحکام، آزادی و استقلال رهنمون گردد.

انسان جایز الخطا بوده و من هم حق اشتباه را برای خود محفوظ میدانم و هر هموطن، کمیته، سازمان و... میتواند نظریات مرا نقد نموده و رد و یا قبول نماید، هیچگونه پافشاری وجود ندارد که حتماً و صد در صد نظرات ارائه شده فوق درست اند. از تبادل افکار به گونه سالم و با وسعت نظر میتوان با در نظر داشت مقولات تغییر و عبور، ثبات و استحکام توسط اجراءات مسالمت آمیز، به نتایج پرریار رسید. در افغانستان و خارج از افغانستان کمیته ها، سازمان ها، احزاب و گروه های با نام های خیلی بزرگ و بلند پروازانه داریم که پسوند و یا پیشوند های متخصصین، دانشمندان، دکترینان، انجیران، آزادی خواهان و غیره را با خود حمل میکنند و تا حال به جز از نشر و صدور اعلامیه های موقع بینانه به مناسبت حالات و روز های خاص، فعالیت بیشتری از آنها ندیده ایم. آیا این هموطنان، کمیته ها، سازمان ها و احزاب در داخل و خارج از کشور قادر به این خواهند بود تا با پیشنهادات سازنده خود افغانستان را توسط اجراءات مسالمت آمیز به سوی ثبات، استحکام، آزادی و استقلال رهنمون گردند؟

---

نوت: در تهیه این نوشته از همکاری های بی شائبه جناب، ف. هیرمند، مشاور حقوقی پورتال و آقای انوری همکار پورتال صمیمانه سپاسگزار هستم.

ادامه دارد...

---

د پانو شمیره: له ۱۱ تر ۱۱

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ